

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پنجمین دوره سلسله نشست‌های چشم‌انداز صنعت گردشگری در ایران

گزارش (۳۸): تأثیر باززنده‌سازی بافت تاریخی بر توسعه گردشگری شهر همدان

برگزارکننده: جهاد دانشگاهی واحد همدان با همکاری مرکز گردشگری
علمی - فرهنگی دانشجویان ایران
هماهنگ‌کننده و ویراستار: صدرا عمویی
همکاران: مهدی ابهریان، زینب یوسفی، حسن دلخوش

سخنرانان:

دکتر حسن سجاذزاده / دانشیار رشته طراحی شهری دانشگاه بوعلی سینای همدان
بهنام افتخاریان / فعال گردشگری و مدیرعامل بنیاد توسعه گردشگری آسیا

نشانی دبیرخانه نشست‌ها:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک

۷۲، طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

شماره تماس: ۲۲ ۱۲ ۴۹ ۶۶ و ۳۶ ۱۱ ۴۹ ۶۶ - شماره: ۸۶ ۱۵ ۴۹ ۶۶

نشانی سایت: www.istta.ir پست الکترونیک: info@istta.ir

مقدمه

مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران به منظور شناختن و شناساندن فرهنگ و تمدن ایران به دانشگاهیان کشور از سال ۱۳۸۱ در ابعاد فرهنگی، آموزشی و پژوهشی فعالیت می کند که از زمره شاخص ترین اقدامات آن می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

الف) اردوهای علمی - فرهنگی (مانند برگزاری شانزده دوره «طرح ملی ایران مرز پرگهر»؛ بازدید دانشگاهیان سراسر کشور از موارث فرهنگی و پروژه های صنعتی با برگزاری ۳۱۴۰ اردو در سراسر کشور، اجرای ده دوره طرح ملی «دریای خاک»؛ کویرنوردی دانشجویان ایران، سه دوره طرح ملی «گنبد گیتی» کوهنوردی دانشجویان ایران؛ دو دوره طرح ملی بوم گشت و ...)، برگزاری اردوهای ویژه اساتید و مستعدان عضو بنیاد ملی نخبگان، برگزاری اردوهای سفر ارزان (عراق، قشم، کیش و ...)؛

ب) همایش ها و نشست های تخصصی (مانند برگزاری چهارده دوره همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس، سه دوره جشنواره ملی عکس دانشجویی جاذبه های گردشگری ایران، سه دوره زنگ ملی گردشگری، همایش ملی تأثیر هدفمندی یارانه ها بر توسعه صنعت گردشگری کشور، همایش ملی راه ابریشم، جشنواره ملی فیلم جیبی دانشجویان سراسر کشور با موضوع گردشگری و میراث فرهنگی، برگزاری چهار دوره گردهمایی گروه های دانشجویی حامی میراث فرهنگی و گردشگری سراسر کشور و ...)؛

پ) پژوهش و طرح های مطالعاتی گردشگری (مانند چاپ ۴۲ عنوان کتاب تخصصی، گزارش علمی و انتشار فصلنامه های تخصصی میراث و گردشگری و مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس و ...)؛

ت) اطلاع‌رسانی و تبلیغات (شامل بزرگ‌ترین پایگاه اطلاع‌رسانی علمی و ترویجی گردشگری کشور به هفت زبان به آدرس ista.ir و پایگاه‌های مربوط به همایش‌های مرکز و...)

ث) آموزش (مانند اجرای ۵۷ دوره کوتاه‌مدت آموزش میراث فرهنگی و گردشگری و دوره‌های کد اخلاق جهانی گردشگری، اجرای سه دوره آزمون دوره‌های کوتاه‌مدت گردشگری سراسر کشور)؛

این مرکز در راستای ساماندهی نظرات نخبگان حوزه گردشگری با توجه به شرایط کنونی کشور که اقتدار ملی و آرامش اجتماعی زمینه را برای شکوفایی ظرفیت‌های فراوان گردشگری و رونق این صنعت را فراهم کرده، از تیرماه سال ۱۳۹۴ سلسله نشست‌های تخصصی را برای بررسی ابعاد و آثار مختلف گردشگری در دوران کنونی و پاسخ به پرسش‌های احتمالی طراحی کرده است.

تردیدی نیست که رخدادهای سیاسی و فرهنگی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، چشم‌انداز متفاوتی را برای فعالیت‌های گردشگری در کشور به وجود آورده است. این سلسله نشست‌ها برای تبیین و بررسی چشم‌انداز کنونی گردشگری در کشور طراحی شده است و تلاش خواهد شد تا تأثیرات متغیرهای اقتصاد، فرهنگ، امنیت، سلامت و سیاست بر حوزه گردشگری به صورت مسئله‌محورانه به بحث گذاشته شود و نتایج و مباحث هر یک از نشست‌ها به صورت گزارش به اطلاع مدیران، مسئولان و فعالان این حوزه برسد.

رحیم یعقوب‌زاده

رئیس مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران و
دبیر سلسله نشست‌های چشم‌انداز صنعت گردشگری در ایران

تأثیر باززنده‌سازی بافت تاریخی بر توسعه گردشگری شهر همدان

دکتر حسن سجاذزاده *

قبل از آغاز بحث و درباره‌ عنوان نشست باید به این مسئله اشاره کنم که من در مقایسه بین واژه‌های باززنده‌سازی و بازآفرینی بیشتر موافق واژه بازآفرینی هستم. دنیای علم در حوزه شهرسازی تجارب زیادی در امر توسعه پشت سر گذاشته و رویکردهای مختلفی در ارتباط با کیفیت بخشی به محیط‌های شهری و بافت‌های قدیمی پیش برده است که از جمله آن‌ها می‌توان به بحث‌های نوسازی، بازسازی، باززنده‌سازی و توانمندسازی اشاره کرد. در سال ۱۹۹۰ رویکردی به نام بازآفرینی در راستای پوشش دادن تمام رویکردهای قبلی رویکردی جامع‌نگر در حوزه کیفیت بخشی به بافت‌ها و فضاهای شهری است به وجود آمد. این کلمه به معنی احیا، تجدید حیات و دادن زندگی مجدد به

* دانشیار رشته طراحی شهری دانشگاه بوعلی سینای همدان

** این نشست طی سی‌وهشتمین نشست از سلسله نشست‌های چشم‌انداز صنعت گردشگری در ایران در محل جهاددانشگاهی واحد همدان با عنوان « تأثیر باززنده‌سازی بافت تاریخی بر توسعه گردشگری شهر همدان » در تاریخ ۹۹/۹/۱۶ انجام شده است.

فضاهایی که مربوط به گذشته یا در حال مردن است و متأسفانه تجاربی که در این زمینه در ایران و البته در دنیا داریم، شکست خورده است.

بازآفرینی شامل دو وجه کالبدی و غیرکالبدی است و وجه کالبدی باززننده‌سازی و نوسازی و تمام وجوه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را در بر می‌گیرد. ما معتقدیم شهر مانند انسان یک موجود زنده است و اگر بخواهیم انسان ناتوان را سرپا کنیم، فقط نمی‌توان او را از نظر جسمی را احیا کرد و نیاز به روحیه‌دادن نیز دارد، واژه بازآفرینی نیز در توسعه شهری و به‌خصوص بافت‌های تاریخی رویکردی است که در ابعاد مختلف و متناسب با ویژگی‌های هر بافت و زمینه به کار گرفته می‌شود.

برخی عقیده دارند که همدان اولین دولت شهر دنیا بوده است و نخستین پایتخت حکومتی نیز در این شهر تشکیل شده است، همچنین، لایه‌ها و آثار تاریخی در این شهر وجود دارد که در کمتر شهر ایران قابل مشاهده است؛ بنابراین، زمانی که اسم شهر تاریخ و تمدن را به همدان نسبت می‌دهیم، باید به اندازه این شعار برای آن کار کنیم و تنها در حد حرف نباشد. به لحاظ شهرسازی معاصر نیز اتفاقاتی در همدان افتاده است، به‌عنوان مثال، در کمتر شهری پیوند خاصی میان لایه قدیمی و لایه جدید وجود دارد. همچنین، لایه‌های بافت قدیمی شهر نسبت به شهرهای دیگر زنده‌تر است؛ اگرچه نمی‌توان گفت در گذر زمان تخریب نداشته‌ایم و به نظر می‌رسد دلیل این امر به ساختار شهر همدان برمی‌گردد.

ایده میدان مرکزی و شش خیابان اصلی در بافت شهر همدان سبب شد کشش و جذب خاصی به سمت بافت مرکزی پیدا شود و شهر بر مبنای شش خیابان توسعه پیدا کند. لذا پیوند میان بافت قدیم و جدید اتفاق افتاده و باعث شده است که در مقایسه با شهرهایی مانند یزد و اصفهان که بوی فضاهای قدیمی را در آن‌ها حس می‌کنیم در همدان این احساس نباشد. این امر نه نقطه ضعف است و نه قوت، بلکه فرصتی است که بتوانیم نو و کهنه را به هم

وصل کنیم. برخی عقیده دارند این اتفاق می‌تواند بافت قدیمی را بهتر حفظ کند؛ بنابراین، همدان از این جهت یک ویژگی خاص دارد که آن را از سایر شهرها متمایز می‌کند.

در بازآفرینی باید به ظرفیت‌ها و استعدادها هر شهر توجه شده و نسخه‌ای که برای یک شهر پیچیده می‌شود، قطعاً برای شهر دیگر جواب نمی‌دهد؛ اما متأسفانه از آنجا که در کشور ما توسعه شهرسازی در دهه‌های اخیر بر مدار ماشین‌محوری و طرح‌های جامع و تفصیلی تعریف شده است، لذا ۹۰ درصد اهدافی که به لحاظ انسانی داشتیم، تحقق پیدا نکرده و در این فضا برنامه‌ای برای انسان دیده نشده است. در رویکرد بازآفرینی باید میان انسان و ماشین تعاملی اتفاق بیفتد و انسان محور قرار بگیرد و ماشین در کنار آن باشد، براین اساس، نیاز است به استعدادها، ظرفیت‌ها و برندهای هر شهر توجه کنیم و اگر ظرفیت همدان در زمینه گردشگری است، باید تمام برنامه‌ها و پروژه‌ها در بحث گردشگری متمرکز شود. این ظرفیت تا حدی کشف شده است و ضروری است تا اقتصاددانان اطلاعات و تجربیات خود را مبنی بر اینکه توسعه همدان باید بر مبنای گردشگری باشد، به کار بگیرند و برای تمامی پروژه‌ها از جمله بافت تاریخی پیوست گردشگری داشته باشیم.

القابی مانند شهر تاریخ و تمدن، اولین شهر جهان اسلام، شهر هزارچشمه را به همدان می‌دهند؛ اما این تاریخ و تمدن که به آن اشاره می‌شود، در کجای لایه‌های توسعه شهری و طراحی شهری همدان دیده می‌شود؟ اگر مبنای توسعه شهر بر گردشگری باشد، تکلیف بافت تا حدی روشن است و به جای کشمکش بین میراث فرهنگی، شورای شهر و شهرداری باید جریان‌سازی شده و آموزش‌های لازم داده شود. متأسفانه در جریان این ناهماهنگی‌ها و کشمکش‌ها به شهر آسیب می‌رسد. برای نمونه، الگویی که در چمن‌های همدان وجود دارد در کشور بی‌نظیر است، حدود هفتاد محله قدیمی که از لحاظ گردشگری با الگوی چمن‌ها منطبق است، در همدان وجود داشته است؛ اما در

حال حاضر، حدود سه چمن باقی مانده که در حال تخریب هستند و متأسفانه به بهانه توسعه یا پیاده‌راه‌سازی از بین رفتند، تنها به این دلیل که به تبعات کارهایمان توجه نمی‌کنیم، بازآفرینی رویکردی انسان محور است که در پیاده‌راه‌سازی‌های همدان به آن توجه نشد.

بازآفرینی باید اصولی، کلان و انسان‌محور باشد. در مدیریت شهری ایران، عدم مدیریت شفاف و یکپارچه وجود دارد، یعنی همزمان در بافت تاریخی شهرداری، میراث فرهنگی، اداره اوقاف و دیگر سازمان‌ها مشاور جداگانه دارند و روی یک موضوع کار می‌کنند و هیچ‌گاه تحت لوای مدیریت واحد در نمی‌آیند. شهریک موجود زنده و پیکره واحد است و هر عضوی در آن مشکل پیدا کند، همه سازمان‌ها باید پای کار بیایند و تا زمانی که مدیریت واحد یکپارچه نباشد، برای توسعه شهر دچار مشکل هستیم. به‌عنوان مثال، تخریب خانه‌های تاریخی در محلات قدیمی مانند کبابیان و جولان فاجعه بود که با شعار باززنده‌سازی به وجود آمد.

هر طرحی که طبق آن ساکنان اصیل را در محله نگه نداریم و به هر شکلی قصد احیای آن را داشته باشیم، آن طرح شکست خورده است؛ چراکه شهر ساختنی نیست و باید آن را هدایت کنیم. به‌عنوان مثال، اگرچه طرح احیا و تبدیل حمام محله حاجی به سفره‌خانه سنتی تبعاتی داشت، اما جنب‌وجوشی در محله ایجاد کرد. در اصل تا زمانی که اهالی محلات را در پروژه‌ها دخالت ندهیم، همراهی پیش نمی‌آید که این مشکل در محله کبابیان و تبدیل خانه‌های قدیمی به بومگردی وجود دارد.

نکته دیگری که در خصوص بناها و آثار تاریخی باید به آن‌ها توجه کرد این است که این آثار تاب‌آوری بالا در برابر رخدادهای طبیعی و ... دارند. برای نمونه، بازارهای قدیمی عمر هزار ساله دارند و با وجود سیل، زلزله و ... همچنان تاب‌آور و زنده هستند و علت این قضیه این است که در بازارهای قدیمی مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با هم دیده شده است، تک‌بعدی دیدن

همواره شکست می‌خورد؛ همچنان که در برخی از محله‌های اصفهان مانند جمالیه و جویباره با شکست مواجه شد. بنابراین، بازآفرینی زمانی جامعیت می‌یابد که اختلاط چندبُعدی وجود داشته باشد.

گردشگران به دنبال تفاوت و طعم غذای ایرانی، بنای ایرانی و... هستند و در حال حاضر، کاروان‌سراهای همدان بدون استفاده هستند. باید توجه داشته باشیم که گردشگر برای دیدن تفاوت‌ها سفر می‌کند و اگر بهترین برج اقامتی و هتل را هم بسازیم برایش خوشایند نیست. متأسفانه سیاستی در میراث فرهنگی وجود دارد که خانه‌های قدیمی را ثبت و بعد رهاش می‌کند. به این دلیل که توان مالی احیا یا خریداری آن‌ها را ندارد و صاحب‌خانه نیز پس از چندین سال صبر نمی‌تواند با این قضیه کنار بیاید. رویکردهای زیادی در دنیا وجود دارد که طبق یکی از آن‌ها حقوق مالکانه را از محلی دیگر تأمین می‌کنیم و می‌تواند در ایران نیز به کار گرفته شود.

مشاور بازآفرینی بافت همدان حدود پانزده سال پیش در دل محلات قدیمی یک خیابان هجده‌متری عبور داد و متأسفانه تعداد زیادی از خانه‌ها، حمام، بازارچه و... تخریب شد. در پی این قانون، ساختمان‌های چندطبقه‌ای در محلات قدیمی ساخته شد که چهره زشتی ایجاد کرده است. به‌عنوان نمونه اتفاقی که در محله آقاجانی بیگ افتاد یک فاجعه است. پس از تبدیل خیابان بوعلی به پیاده‌راه، زندگی از این محله قدیمی گرفته و به انبار ماشین تبدیل شد و تمام اهالی، محله را ترک کردند. بنابراین، در بازآفرینی باید همه ابعاد را با هم ببینیم و صرفاً به جداره، کف و مسائل ظاهری توجه نکنیم.

مشکل شهرسازی در نظام پهنه‌بندی نسخه‌های یکسان است، مثلاً در شهر همدان ضابطه‌ای که برای منطقه استادان و متخصصین در نظر گرفته شده است، برای بافت تاریخی و محلات حاشیه‌نشین هم وجود دارد. به عبارتی، در شهرسازی نظام پهنه‌بندی بافت نداریم، بافت تاریخی، مناطق حاشیه‌نشین و بالای شهر هر یک قانون و قواعد خاص خود را دارند و تا زمانی که نظام

پهنه‌بندی اصلاح نشود و رویکرد ما در شهرسازی محله‌محوری نباشد، مشکلات پا بر جا هستند. محله خاص زندگی شهری ایرانی است و متأسفانه اهلیت‌ها در فرایند بافت در حال از بین رفتن هستند، به عبارت دیگر، ساکنان اصیل و دائمی که دوست دارند در این محیط زندگی کنند از محلات می‌روند و افراد جدید احساس تعلق به این مکان‌ها ندارند.

در حال حاضر، در پروژه‌های شهرسازی شهر همدان از مواردی چون بازآفرینی، قطار شهری و توسعه شهری سخن گفته می‌شود؛ ولی نکته این است که در بعضی از این پروژه‌ها از متخصصان و اساتید رشته شهرسازی استفاده نمی‌شود، نکته دیگر این است که اگر شعار اول همدان گردشگری است، چرا در دانشگاه رشته گردشگری، حمل‌ونقل شهری و محیط‌زیست نداریم و رشته‌هایی در اولویت قرار می‌گیرد که مناسب همدان نیستند. این موضوعات به بازنگری جامع نیاز دارند و نگاه تا محرک توسعه نباشد نمی‌تواند چشم‌انداز و آینده روشنی برای توسعه شهری ایجاد کند. چرا شهری تاریخی با ادعای تاریخ و تمدن یک اثر ثبت‌شده جهانی ندارد؟ چرا این اثر بافت تاریخی همدان نباشد؟ البته شهرداری نگران است اگر بافت را از دست بدهد، درآمد سرشار آن به لحاظ ساخت‌وساز را از دست خواهد داد و نمی‌تواند شهر را اداره کند؛ بنابراین، اگر به دنبال درآمد پایدار هستیم، باید یک بازبینی جدی نسبت به رویه‌های کنونی صورت گیرد.

در این زمینه تعداد زیادی تحقیق، مقاله و پایان‌نامه وجود دارد؛ اما دانشگاهیان را به کار نمی‌گیرند و از سوی دیگر، دانشگاه نیز در مسیر کاربردی قدم برنداشته است. همچنین، به تعداد فراوان نسخه‌های جلسه‌ای و اداری موجود است، اما شهر با بخشنامه درست نمی‌شود؛ چراکه شهر پوست‌اندازی می‌کند و نمونه بارز آن میدان مرکزی شهر همدان است که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی بسیار موفق بوده است.

در همدان بیش از چهل گذر فرهنگی - تاریخی داریم که باید شناسایی و در جهت ارتقای گردشگری استفاده شوند. گردشگری یک شبکه است و بافت زمانی رونق می‌گیرد که بتوانیم سرمایه‌گذار را تشویق به سرمایه‌گذاری کنیم که متأسفانه تاکنون در این زمینه کاری انجام نشده است. از طرفی، بافت‌های تاریخی به سرعت دارد دچار خدشه می‌شوند و بخشی از آن توسط مردم و قانون‌های وراثتی در حال تخریب است و ارگان‌ها باید بافت را نجات دهند.

در بافت تاریخی همدان حوادث، رویدادها و اتفاقات مهمی در طول تاریخ افتاده است که می‌توان آن‌ها را بازآفرینی کرد. این اتفاق باعث می‌شود تنها ظاهر شهر را نبینیم و به قصه‌های شهر هم توجه کنیم و این امر یکی از راه‌های جذب گردشگر خواهد بود، از طرف دیگر پژوهش در حوزه بافت بسیار ضعیف است و در اصل به بافت بی‌توجه هستیم.

در تعریف پروژه‌های گردشگری باید به بحث خوراک و مخصوصاً غذاهای بومی و محلی و خرید توجه کرد و این دو باید مکمل هر پروژه گردشگری باشند، به‌عنوان نمونه، در شهر لالچین دیزی‌سراهایی هستند که بسیار موفق عمل کردند و می‌توان در ساختمان‌های اطراف میدان اصلی همدان نیز این برنامه را گنجانند.

بافت مجموعه واحدی است که تاروپودش باید به هم وصل شود و هم پیوندی فضایی در آن اتفاق بیفتد، خانه در محله تعریف می‌شود و خانه و مسجد به‌عنوان تک‌بنا جواب نمی‌دهد و در این مورد مکان‌یابی اصل اساسی است. مثلاً تصمیم برای تپه مصلی در شهر همدان به‌عنوان مکانی برای برپایی نماز جمعه با شکست مواجه شد، چراکه مردم به این محل نرفتند؛ بنابراین، زنجیره به‌هم‌پیوسته بافت و مکان‌یابی و نگاه محله‌محوری بسیار مهم است و در توسعه گردشگری و توسعه شهر ضروری است. گردشگری صرفاً صنعتی فانتزی نیست و اگر نگاه در این زمینه از کلان به جزء نباشد، تبعاتی خواهد داشت. همچنین، گردشگری تیغ دولبه است و گاهی گردشگر بیش از آنکه

فایده داشته باشد، ضرر دارد به همین دلیل باید نگاه اقتصاد و فرهنگی به گردشگر داشته باشیم.

با توجه به اینکه جمعیت همدان نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته است، به نظر می‌رسد نیازی به تعریف پروژه جدید و گسترش شهر نیست، بلکه می‌توان فضاهای قدیمی و بناهای گذشته را احیا و از آنها استفاده کرد و اگر هزینه‌هایی که برای پروژه‌های جدید و گسترش شهر می‌شود، صرف بازآفرینی می‌شد سلامت روان شهروندان خدشه‌دار نمی‌شد. باید برای تمام طرح‌ها سند جامع تعریف شود؛ مانند سند جامع گردشگری، سند جامع توسعه شهر، سند معلولین و مواردی از این دست خاص هر شهر هستند و باید توسط متخصصین و افراد دغدغه‌مند تهیه شوند و نگاه‌ها باید به صورت جامع و در مقیاس کلان محور اتفاق بیفتند.

تأثیر باززنده‌سازی بافت تاریخی بر توسعه گردشگری شهر همدان

بهنام افتخاریان*

راه توسعه گردشگری از راه حفظ میراث فرهنگی می‌گذرد. بافت تاریخی و فضاهای گردشگری منحصربه‌فرد هستند، متأسفانه گاهی اوقات فکر می‌کنیم، از لحاظ مدیریت شهری به درجات بالایی رسیدیم؛ اما در مفاهیم ساده گیر کرده‌ایم. در کشمکش اخیر میان میراث فرهنگی، شهرداری و شورای شهر همدان می‌توان شهرداری را تخریبگر بافت قدیمی دانست؛ زیرا بافت تاریخی اهمیتی برای این ارگان ندارد. شهرداری در یک اصطکاک دوگانه گیر کرده است، از طرفی، می‌خواهد در توسعه گردشگری فعالیت کند و از طرف دیگر، دوست ندارد در حفظ میراث فرهنگی مشارکت کند؛ زیرا درآمدهایی که برای شهرداری در نظر گرفته شده، از این مسیر است و تخریب‌ها و ساخت‌های مجدد برای آن درآمدزاست.

* فعال گردشگری و مدیرعامل بنیاد توسعه گردشگری آسیا

** این سخنرانی طی سی‌وهشتمین نشست از سلسله‌نشست‌های چشم‌انداز صنعت گردشگری در ایران در محل جهاددانشگاهی واحد همدان با عنوان «تأثیر باززنده‌سازی بافت تاریخی بر توسعه گردشگری شهر همدان» در تاریخ ۹۹/۹/۱۶ انجام شده است.

بار کلمه باززنده‌سازی زیبا نیست. به‌عنوان مثال، اگر در محله قدیمی جولان بخواهیم طرح باززنده‌سازی را اجرا کنیم مطمئناً با مخالفت ۹۹ درصد از اهالی محله مواجه می‌شویم.

در حوزه گردشگری مثلث مردم، گردشگر و مسئولان محلی نقش مهمی دارند که این قضیه در همدان دچار مشکلات عدیده‌ای است. در حوزه گردشگری در بافت تاریخی، موضوع جاذبه اولیه و جاذبه ثانویه مطرح است و به‌عنوان نمونه آرامگاه بوعلی و غار علیصدر در همدان جاذبه‌های اولیه هستند؛ اما می‌توان در کنار این جاذبه‌ها، بافت تاریخی را نیز در نظر گرفت، اما همدان خود را از این نعمت محروم کرده است. در گذشته بافت تاریخی منحصربه‌فردی در همدان داشته‌ایم و در حال حاضر، لکه‌های تاریخی داریم و هنوز متولیان شهری در این مورد به مدیریت نرسیدند و مردم هم آمادگی‌اش را ندارند، مثلاً هزینه‌های هنگفتی برای پیاده‌راه‌سازی می‌شود و خیلی هم خوب است؛ اما انگار قانون نانوشته‌ای وجود دارد که همیشه بخشی از یک طرح را اجرا کنیم. در همدان پیاده‌راه‌سازی انجام شد؛ اما جداره‌سازی نه. در بافت تاریخی به آموزش حفظ بافت هم نیاز است و حفظ بافت تاریخی و بازآفرینی به حوزه اقتصادی مردم مربوط می‌شود، در همدان بناهای متعددی مانند کاروان‌سرای حسین‌خانی وجود دارد که در حال ازبین‌رفتن است و دولت نه توان حفظ آن را دارد و نه تأمین اقتصادی‌اش را.

تاکنون در بحث حفظ میراث فرهنگی تنها به مباحث کالبدی رسیده‌ایم و بعضی از محلات قدیمی همدان هنوز توانایی گنجایش پذیرش توریست ایرانی را هم ندارند و در مباحث مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی و افراد ساکن بافت تاریخی مشکلاتی وجود دارد. افراد ساکن در این محلات به خانه‌های قدیمی خود افتخار نمی‌کنند که به بار فرهنگی در اجتماع و نداشتن آموزش برمی‌گردد، علاوه‌براین، بحث معیشت هم مطرح است و در همدان گرانی قیمت زمین باعث تخریب خانه‌های قدیمی شده است و اغلب این خانه‌ها به دلیل

درون گرابودن قابل شناسایی نیستند. محله جولان ارزش افزوده‌ای به نام تپه هگمتانه دارد و می‌توان از تپه هگمتانه به‌عنوان یک جاذبه اولیه استفاده کرد تا گردشگران این اثر باستانی از لکه‌های تاریخی محله جولان نیز بازدید کنند. اما نه تنها این اتفاقات عملی نمی‌شود، بلکه درب حمام تاریخی این محله قدیمی را سیمان گرفته‌اند که کسی به آن مراجعه نکند.

در موضوع چمن‌های همدان هم باید گفت که متأسفانه به هیچ‌یک از چمن‌های همدان رسیدگی نشده است که از آن به‌عنوان الگو استفاده شود و محله‌هایی مانند کبابیان و کلیا رها شده‌اند و بقیه چمن‌ها هم پیش از این از بین رفته‌اند. در شهر همدان موارد منحصربه‌فردی وجود دارد که در بلا تکلیفی مدیریت شهر قرار گرفته، اما واقعیت این است که همیشه مردم از دولت جلوترند. در همدان علاوه بر خانه‌های تاریخی، ویژگی‌هایی داریم که بسیاری از شهرها ندارند، مثلاً حجم زیادی کاروان‌سرا با وسعت بی‌نظیر در همدان وجود دارد که هیچ‌یک را الگوسازی نکردیم و در اثر نبودن سیاست یکسان و برنامه‌ریزی درست در چند سال آینده، همین لکه‌های تاریخی را هم نخواهیم داشت.

متأسفانه درباره آمایش گردشگری نیز همین قضیه مطرح است. شیوع کرونا نشان داد توسعه گردشگری اولویت مسئولان و مدیریت شهری همدان نیست و ۶۰ درصد بدنه اقتصادی گردشگری از بین رفت و از سال آینده باید با یک بدنه نحیف ادامه دهیم.

ریشه اصالت در محلات قدیمی به دهه ۱۳۵۰ و پیش از آن برمی‌گردد، اگر تاریخ محله‌ها و چمن‌های همدان را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم محلاتی مانند آقاجانی بیگ، جولان، شالبافان و... ایالتی بوده‌اند؛ اما از یک برهه زمانی سعی می‌شود به زور این قانون را به هم بریزیم و نتیجه آن شهرک‌سازی در دل محله تاریخی جولان است و نتیجه این اتفاق و ساخت‌وسازهای نامتعارف و ناهمگون باعث شد تا اهالی این محله تا دهه ۱۳۸۰ از آنجا بیرون آمدند.

زمانی که بافت متحد و افراد کاریزماتیک از محله‌های قدیمی حذف می‌شوند، تأثیر بسیار منفی در پی دارد که از بین رفتن خانه‌های زیبای قدیمی و نابود شدن بافت محلات یکی از نمونه‌های آن است.

متأسفانه در حفظ بافت تاریخی همدان نه از نمونه‌های داخلی الگوبرداری می‌کنیم نه از تجارب دانشگاهیان استفاده می‌کنیم و نه به حرف مردم بها می‌دهیم و در نهایت، نسخه‌ای که مشخص نیست توسط چه کسی نوشته شده به مرحله اجرا می‌رسد و ماحصل آن هجده‌متری‌هایی است که از وسط محلات تاریخی گذشته و تیشه به ریشه بناها زده و توسعه ناهمگون و محلات ناموزون را ساخته است. زمانی که اهالی محلی به این نتیجه می‌رسند که محله‌شان مورد اعتماد است، راغب به نگهداری و توسعه آن هستند؛ اما با دادن عناوینی مثل بافت فرسوده و بافت مرده به این محلات نه تنها مردم میلی به حفظ بافت و خانه‌های قدیمی ندارند، بلکه علاقه‌مند نیستند در این محلات زندگی کنند. حدود دوازده خانه قدیمی و واجد ارزش در محلات جولان، کبابیان و شالبافان وجود دارد که آرام‌آرام در حال تخریب هستند و در حوزه تغییر کاربری بناها کار علمی انجام نشده و نظر اهالی محلی نیز پرسیده نشده است، در حالی که استفاده از راهکارهای متخصصان و نظرات مردم می‌تواند راهگشا باشد. بافت تاریخی حساسیت خاصی دارد و نمی‌توان نسخه واحدی برای تمام مناطق شهر پیچید. باید منطقه‌ای را به عنوان پایه انتخاب و اصلاح کرد تا مردم مایل به زندگی کردن در محله باشند؛ علاوه بر این، باید به نکات جذاب و داستان‌های محلات بپردازیم.

بافت تاریخی تنها راه نجات گردشگری است؛ به عنوان مثال، کاروان‌سراها قابلیت تبدیل به بوتیک‌هتل را دارند و با حفظ معماری سنتی این بناها می‌توان به رونق گردشگری کمک کرد، همچنین، در مورد مطالعات تغییر کاربری خانه‌های قدیمی باید به بحث فرهنگی توجه شود تا طرح‌ها با موفقیت اجرا شوند.

درباره ماندگاری گردشگر نیز باید گفت که مدیران گردشگری را به عنوان صنعتی تزئینی می‌بینند و زمانی که قرار است گردشگری را از جنبه تزئینی بودن به مرحله اجرایی برسانیم، مسئله متفاوت می‌شود، به عنوان نمونه، مسئولان این صنعت را در تنها در حد و اندازه برگزاری همایش و سمینار می‌دانند؛ اما تاکنون کار علمی در این حوزه انجام نشده است؛ بنابراین، لازم است جاذبه‌ها را در شهر شناسایی و امتیازبندی کنیم. شاخصه‌هایی مانند آرامگاه بوعلی، آرامگاه باباطاهر، تپه هگمتانه و گنبد علویان جاذبه‌هایی هستند که علاوه بر آن، باید بهانه‌هایی برای ماندگاری گردشگران به عنوان جاذبه‌های ثانویه ایجاد کنیم، جاذبه‌های ثانویه می‌تواند تفریحی یا تاریخی باشد. جاذبه تفریحی مانند تله کابین گنجانامه است که در همدان شکست خورده است. آنچه در بافت تاریخی نیاز داریم، سرمایه‌گذارهای علاقه‌مند و دغدغه‌مند است و تعیین گذر فرهنگی - هنری می‌تواند به این امر کمک کند؛ به عنوان مثال، باید بررسی شود که محله کبابیان یا جولان چطور می‌تواند گردشگر جذب کند؛ اما متأسفانه به دلیل نبود سرمایه‌گذار واقعی، شبه سرمایه‌گذارها کار را در دست گرفته‌اند.

میدان مرکزی همدان ظرفیت بسیار بالایی در زمینه گردشگری دارد و این منطقه قابلیت تبدیل به یک گذر فرهنگی - تاریخی را دارد که از میدان آرامگاه بوعلی آغاز و پس از گذشتن از میدان امام (ره) و جاذبه‌های بازار به هگمتانه ختم شود. بنابراین، باید مکانی را به عنوان مبدأ در نظر بگیریم و حول آن کار انجام دهیم.

بافت‌های تاریخی حدود ۳۰ درصد از بافت شهرهای ایران را تشکیل می‌دهد و بهتر است ارگان‌ها و سازمان‌ها به این مناطق کاری نداشته باشند؛ زیرا وقتی تصمیم می‌گیرند حال بافت قدیمی را خوب کنند، نتیجه عکس حاصل می‌شود که نمونه بارز آن محله جولان است، رویکردهای مهندسی محور شهرسازی را

تنها علم مهندسی می‌دانند، در صورتی که باید رویکرد انسانی را نیز در نظر گرفت.

بخش عمده این ایرادات برمی‌گردد به نبود آموزش گردشگری در کشور و به تبع آن در همدان؛ مثلاً بافت سنگی و ارزشمند روستای ورکانه به دلیل آموزش ندیدن اهالی در حال نابود شدن است؛ بنابراین، باید اهمیت بافت تاریخی را به اهالی و مخصوصاً بانوان که عاملان مهمی در توسعه و ضدتوسعه محلات هستند، آموزش دهیم تا در حفظ آن یاری‌رسان باشند.